



# انترناسیونال ۴۳۱

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۵ آذر، ۱۶ دسامبر ۲۰۱۱

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه

## در مورد ترور وحشیانه رافق تقی

گفتگو با مینا احدی



مورد اینکه چه اقداماتی در این رابطه صورت گرفته و چه اقداماتی قرار است برای مقابله با این نوع جنایات صورت گیرد به خوانندگان انترناسیونال توضیح دهید:

صفحه ۲

همچنین همراهی شخصیت‌هایی مثل سلمان رشدی و تسلیمه نسری و ریچار داوکینز این موضوع به یک موضوع داغ بین المللی تبدیل شده است. اگر ممکن است یک مقداری در

انترناسیونال: مینا احدی موضوع قتل رافق تقی خشم و نفرت زیادی را علیه جنبش اسلامی و مشخصا جمهوری اسلامی برانگیخته و بویژه با فعالیتهای شما و مریم نمازی و

## شکست طرح "هدفمند کردن

یارانه ها"



کاظم نیکخواه

این روزها دوباره بحث طرح یارانه ها در مجلس اسلامی داغ شده است. بنا به گزارش ایرنا کمیسیون موسوم به "کمیسیون ویژه طرح تحول اقتصادی" مجلس اسلامی در آستانه یک سالگی اجرای قانون هدفمندی یارانه ها اعلام کرد: "عدم تامین کامل منابع مورد نیاز قانون هدفمندی یارانه ها از محل اصلاح قیمت‌های حامل‌های انرژی منجر به انباشته شدن کسری حدود ۱۵۰ هزار میلیارد ریالی شده است. بنا به این گزارش پرداخت نشدن سهم ۳۰ درصدی بخش‌های اقتصادی از منابع ناشی از هدفمندی یارانه ها و نگرانی فزاینده از تشدید کسری بودجه باعث شد تا کمیسیون ویژه مجلس خواستار کشیده شدن ترمز ماشین هدفمندی در سال جاری و اصلاح فرایند اجرای قانون شود به ویژه اینکه استقراض از بانک مرکزی برای پرداخت یارانه نقدی باعث افزایش نرخ تورم خواهد شد."

طرح پرسرو صدای موسوم به "هدفمند کردن یارانه ها" طرحی بود که قرار بود از نظر طراحانش جمهوری اسلامی را از بحران عمیق اقتصادی بیرون بکشد. در واقع تنها راهی بود که فکر میکردند اقتصادشان را نجات خواهد داد و یک سرمایه داری تیپیک بازار آزاد را بر مبنای چپاول کامل شکل خواهد داد. اما از همان ابتدا روشن بود که این طرحی محکوم به شکست است. ما در همین نشریه انترناسیونال گفتیم که این طرحی از قبل شکست خورده است. زیرا یک طرح کهنه ریاضت اقتصادی است اما حکومت اسلامی پیش شرطهای اعمال سیاست ریاضت اقتصادی (بیش از آنچه عملا به مردم تا کنون

صفحه ۳

## مردم لیبی علیه حاکمین جدید

مصاحبه تلویزیون کانال جدید با حمید تقوایی

آمیدید. خوب تظاهرات سی هزار نفر در بن غازی علیه حاکمین جدید، آیا این مساله برای شما قابل پیش بینی بود؟

حمید تقوایی: بنظرم برای هر کسی

صفحه ۸

میخواهند. خواست تظاهر کنندگان از جمله عدالت و شفافیت بیشتر بود. اجازه بدهید با حمید تقوایی همراه بشویم تا در این رابطه با ایشان به گفتگو بنشینیم. سلام به شما حمید تقوایی به برنامه ما خوش

که نطفه اعتراضات علیه دیکتاتور سابق لیبی قذافی بسته شده. روز دوشنبه حدود سی هزار نفر در تظاهرات اعتراضی شرکت کردند. تظاهر کنندگان فریاد میزدند مردم انقلاب تازه ای

سیما بهاری: در لیبی یکبار دیگر دهها هزار نفر به خیابانها ریختند تا علیه حکومت تازه یا دولت تازه دست به اعتراض بزنند. در شهر ساحلی بن غازی

## حکومت مافیائی روسیه و اخلاق سیاسی

کاظم نیکخواه

سیاستها را "اخلاقی" ارزیابی میکنند. در خبرها آمده بود که سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه سیاست دولتهای غربی در قبال رژیم بشار اسد را "غیر اخلاقی" تعیین میکنند و این

در مورد حاکمین روسیه و سیاستهایشان همه چیز فکر کرده بودیم بجز اینکه اینها سیاستهای بین المللی خود را با معیارهای اخلاقی تعیین میکنند و این

## اطلاعیه در مورد بحران حزب "حکمتیست"

صفحه ۳

## صفحات دیگر

کارگران بازنشسته چندین شهر مقابل مجلس

تجمع کردند

صفحه ۳

خطاب به کارگران و مردم به کمک رضا شهابی، کارگر

زندانی، بشتاییم

رضا شهابی به بیمارستان منتقل شد.

رضا شهابی همچنان در اعتصاب غذا بسر میبرد

به اتحادیه های کارگری در سراسر جهان

صفحه ۳

## جنایتی دیگر در نورد یزد

شهلا دانشفر

در انتهای شهرک صنعتی یزد، جنایتی دیگر صورت گرفت. در این اتفاق ناگوار تعدادی از کارگران بخاطر سوجدویی مشتی صاحبان

ساعت ۱۹ و ۱۵ دقیقه شب یکشنبه ۲۱ آذر در اثر انفجاری در کوره کارخانه نورد فولاد غدیر واقع

صفحه ۶

## بازتاب هفته

توحشی دیگر: قطع دست و پا

انفجار در کارخانه غدیر و جنایت تازه سرمایه

تاکنون ۱۳ تن از کارگران جان باخته اند

متکدیان کدامند؟

بهروز مهر آبادی

رویدادهای منطقه در یک نگاه!

محمد شکوهی

صفحات ۵-۴

## در مورد ترور وحشیانه ...

از صفحه ۱

می‌نوا احدی: رافق تقی یک روشنفکر منتقد مذهب اسلام و منتقد جمهوری اسلامی ایران بود که شش سال قبل علیه او فتوای قتل دادند. تحت فشار جمهوری اسلامی ایران دولت آذربایجان رافق تقی و همکارش را دستگیر و به سه سال زندان محکوم کرد. در داخل آذربایجان به این رفتار سرکوبگرانه دولت آذربایجان اعتراضات زیادی شد و همان شش سال قبل ما با اعلام یک کمپین در مورد این موضوع افشاگری کردیم. پس از دو سال زندان رافق تقی و سمیر صداقت اوغلو سردبیر نشریه صنعت از زندان آزاد شدند. رافق تقی به افشاگری و فعالیت‌های گسترده علیه دخالت اسلام در زندگی مردم و دخالت جمهوری اسلامی ایران ادامه داد و در نهایت او را در روز ۱۹ نوامبر ۲۰۱۱ ترور کردند. هدف جمهوری اسلامی ایجاد فضای رعب و وحشت در آذربایجان بود. مزدوران و وابستگان به این حکومت در آذربایجان با تشکیل سازمان‌های اسلامی و با سرمایه گذاری در ساختن مساجد و ترویج خرافات، سعی میکنند جای پای محکمی برای حکومت اسلامی در آنجا ایجاد کنند و کسانی همچون رافق تقی در مقابل این روند ایستاده و باید از طرف حکومت اسلامی ایران با ترور پاسخ می‌گرفتند تا بقیه بترسند و تمکین کنند. این اتفاق البته نیفتاد. بعد از قتل رافق در آذربایجان مردم شروع کردند به اعتراض و دوستان و همکاران رافق به اسم او مقاله‌های انتقادی نوشته و اعلام کردند که ساکت نمی‌نشینند. اما فعالیت ما در سطح بین‌المللی بنظر من بسیار مهم بود. چرا که ما با سلمان رشدی تماس گرفته و به او گفتیم جمهوری اسلامی ایران بعد از قتل رافق تقی اعلام کرد که سلمان رشدی آذربایجان به قتل رسید و

اینها بدلیل این جنایت به همدیگر پیام شادباش می‌فرستند و وقیحانه از این جنایت خود دفاع میکنند. ما پیشنهاد دادیم که سلمان رشدی و تعدادی از چهره‌های سرشناس بین‌المللی منتقد مذهب و اسلام و جمهوری اسلامی ایران با همدیگر به یک اقدام مشترک دست زده و همگی خواهان بررسی این پرونده قتل و مشخص شدن اسامی عاملین و آمرین این قتل شویم. نامه مشترک ما با امضا سلمان رشدی، ریچارد داوکینز، مریم نمازی، تسلیمه نسرین، جون اسمیت، نیک کوهن و من برای دفتر رئیس پارلمان اروپا و تعدادی از نمایندگان پارلمان فرستاده شد. روز ۶ دسامبر من در بروکسل در ملاقات با نمایندگان دفتر رئیس پارلمان و نماینده الکساندر الوارو از نمایندگان پارلمان این موضوع را با آنها طرح کردم و نامه را به آنها دادم. یک روز بعد از ملاقات یعنی روز ۷ دسامبر دفتر رئیس پارلمان اعلام کرد که این موضوع در نشست پارلمان اروپا در استراسبورگ در روز پنجشنبه ۱۵ دسامبر بررسی خواهد شد و نتیجه به ما اعلام خواهد شد. این موضوع بسیار مهمی است و بررسی سریع اتحادیه اروپا هم بسیار مهم است و به همین دلیل این خبر در آذربایجان انعکاس گسترده‌ای داشته و همه ما منتظر نتایج این نشست هستیم. ما خواهان اعزام یک هیئت مستقل از طرف اتحادیه اروپا برای بررسی این قتل شده ایم.

انترناسیونال: چه برنامه‌ها و تلاش‌های دیگری برای بسیج افکار عمومی علیه تروریسم جمهوری اسلامی از جانب شما یا نهادها و شخصیت‌های دیگر در دستور است؟

می‌نوا احدی: حکومت اسلامی ایران یک حکومت تروریستی و فاشیست است که دستش به خون

مردم ایران و خون بسیاری از فعالین سیاسی و منتقدین این حکومت آلوده است. اینها از روز اول به قدرت رسیدن هنرشان جنایت و وحشیگری و بیرحمی بوده و اینرا تا امروز هم ادامه داده اند. برای پیدا کردن جاپایی در یک منطقه و در یک نقطه اینها اول جنایت میکنند، زهر چشم میگیرند و سپس حجاب بر سر زنان کرده و قوانین ارتجاعی خود را پیاده میکنند. ما سالها است که علیه این جنایات و این تروریسم وحشیانه مبارزه میکنیم. مشکل مهم این بوده و هست که دولتهای غربی و اتحادیه اروپا چشم خود را بر این فجایع بسته و تا امروز با این حکومت کجدار و مریض کنار آمده اند. ما خواهان قطع روابط دیپلماتیک همه نهادهای بین‌المللی با این حکومت هستیم و خواهان رسیدگی به جنایات حکومت اسلامی در یک دادگاه بین‌المللی به جرم جنایت علیه بشریت هستیم. پرونده حکومت اسلامی به اندازه کافی قطور است. اما فعلا سیاست عمومی در سطح نهادهای بین‌المللی و دولتها کنار آمدن با این حکومت و دیالوگ با آنها است. سیاستی که بجز ادامه حیات حکومت اسلامی نتیجه‌ای در بر ندارد. طبعاً نهادهای دیگری نیز در صدد ایجاد تریبونال و یا کشاندن جمهوری السامی ایران به دادگاه هستند که همه این فعالیتها مثبت است و باید بویژه در اوضاع سیاسی امروز که دنیا به پا خاسته و علیه دیکتاتورها و سیستم ضد انسانی سرمایه داری در همه جا اعتراض هست، ما هم متحدانه تر و فعالتر از همیشه تکلیف یکی از جنایتکارترین و فاشیست ترین حکومتها را هر چه زودتر روشن کنیم.

انترناسیونال: اهداف جمهوری اسلامی و آیت‌الله‌هایش از این نوع ترورها روشن است. اما کلا فکر میکنید در شرایط سیاسی امروز این نوع اقدامات چه تاثیری بر وضعیت

جمهوری اسلامی دارد؟ یعنی آیا به تقویت این حکومت کمک میکند یا بر عکس آنرا بیش از پیش تضعیف و منزوی خواهد کرد؟

می‌نوا احدی: حکومت اسلامی ایران در مورد ترور رافق تقی، طوفان درو کرد. اینرا دیدند و از طریق سایت تابناک اعلام کردند که ما نکشته ایم، بلکه سکولارها و دوستان رافق تقی او را کشته اند تا "حملاتی را علیه حکومت اسلامی ایران سازمان دهند". پس معلوم شد که حملات زیادی به حکومت اسلامی شده و اینها در این شرایط به تاکتیک قدیمی و نخ نمای قبلی دست زده اند. مردم ایران میدانند که رژیم اسلامی قتل ندا آقا سلطان را که در مقابل دوربین و در روز روشن اتفاق افتد و میلیونها نفر آنرا دیدند، به مخالفین حکومت و یا به دوستان ندایا رسانه‌ها نسبت میدهد و از این طریق میخواهد در مقابل موج گسترده

### کارگران بازنشسته چندین شهر مقابل مجلس تجمع کردند

طبق گزارش خبرنگار حزب از تهران، امروز سه شبانه تعدادی از کارگران بازنشسته فولاد ذوب فلز اصفهان و بازنشستگان دیگری از شهرهای شمالی و خراسان در مقابل مجلس اسلامی در تهران تجمع کردند و خواهان پرداخت فوری دو ماه حقوق معوقه خود شدند.

در این تجمع حدود ۵۰۰ نفر از کارگران بازنشسته شرکت فولاد ذوب آهن اصفهان و تعدادی از بازنشستگان از شهرهای خراسان و شهرهای شمالی کشور که با چند اتوبوس خود را به این تجمع رسانیده بودند شرکت داشتند. مقامات مختلف به بازنشستگان گفته اند که صندوق بازنشستگی خالی است و پولی برای پرداخت به آنها وجود ندارد و این در حالی است که اخیراً وابستگان به حکومت طبق اعتراف مقامات جمهوری اسلامی، میلیاردها تومان از صندوق بازنشستگی سرقت کرده اند.

در حال حاضر حداقل هشتاد

نفرت بین‌المللی جا خالی بدهد. اینک سران این حکومت که در روز اول کشته شدن رافق تقی با شادمانی بهم‌دیگر پیام تبریک می‌فرستادند، از طریق سایت تابناک اعلام میکنند که قاتل رافق تقی سکولارها و دوستان او هستند چرا که هدفشان اینست که از این طریق علیه حکومت اسلامی و بی‌آبرویی برای حکومت اسلامی چیزی در پی ندارد. اکنون حکومت اسلامی ایران یک حکومت کاملاً منزوی و مورد انزجار عمومی است. دور نیست روزی که حکومت اسلامی ایران به دست مردم منزجر از این دستگاه جنایت و رذالت به زیر کشیده شود و همه سران این حکومت از اصلاح طلب تا تندرو و رادیکالاش در یک دادگاه بین‌المللی محاکمه و به جرم سنگسار و اعدام و ترور هزاران نفر و به جرم شکنجه و تجاوز و تحمیل فقر و ناداری به مردم ایران، محاکمه و مجازات شوند. \*

هزار نفر از بازنشستگان با مشکل عدم پرداخت حقوق‌های خود مواجه هستند و بارها مقابل مجلس و یا مقابل ادارات دولتی در شهرستان‌ها دست به تجمعات اعتراضی زده اند. در اصفهان حدود سه هفته است کارگران بازنشسته همراه با خانواده‌های خود در مقابل اداره بازنشستگی این شهر تجمع میکنند.

حزب کمونیست کارگری از اعتراض بازنشستگان و خواست‌های آنها مبنی بر پرداخت فوری حقوق معوقه و افزایش حقوق آنها قاطعانه حمایت میکند و آنها را به اعتراضات دسته جمعی همراه با خانواده‌های خود در سراسر کشور فرامیخواند. حزب از مردم در سراسر کشور میخواهد به تجمعات اعتراضی بازنشستگان بپیوندند و به هر شکل که میتوانند به این اعتراضات یاری رسانند.

حزب کمونیست کارگری ایران ۲۲ آذر ۱۳۹۰، ۱۳ دسامبر ۲۰۱۱

### انترناسیونال

را بخوانید و وسیعاً تکثیر و پخش کنید

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

## اطلاعیه در مورد بحران حزب "حکمتیست"

## شکست طرح "هدفمند کردن..."

از صفحه ۱

احمدی نژاد پولهایی را صرف پرداخت یارانه نقدی میکند تا در انتخابات بعدی رای بخرد. این را برخی از نمایندگان مجلس اسلامی به نحوی تلویحی بیان کرده اند. اما صراحتاً نمیتوانند بیان کنند زیرا کل توطئه هایشان را در مورد این طرح که قطع کامل یارانه ها و به فقر بیشتر کشیدن مردم بود را رو میکنند. از سوی دیگر بخشی از پولهایی که به بهانه کمک به تولیدات اشتغالزا قرار بود به کارفرمایان خودی پرداخت شود، و حدود ۳۰ درصد از درآمد حاصل از زدن یارانه ها بود پرداخت نشده است. اینهم بنا به برخی شواهد به این دلیل است که این کارفرمایان غالباً از آقازاده های منتسب به جناح رقیب هستند. به کل این تصویر باید مقاومت مردم در پرداخت قبضه های سنگین برق و گاز را اضافه کرد که بالغ بر میلیاردها دلار میشود و دولت جرات فشار به مردم را ندارد و عملاً به آن تن داده است. همه اینها و بسیار تنگناهای دیگر بیانگر اینست که طرح "هدفمند کردن یارانه ها" دچار شکست شده است و همانگونه که نمایندگان مجلس اسلامی طرح میکنند این احتمال زیاد است که کلاً متوقف شود. اما متوقف کردن آنهم میتواند علاوه بر همه جنبه های دیگر به بالا گرفتن نزاعهای درون حکومت منجر شود. بیشترین احتمال اینست که این طرح با کل دولت احمدی نژاد کلاً برچیده شود و به زیاده دان انداخته شود. اما این طرح بهر حال خود گرانی و تورم زیادی را آورده و زندگی را بر مردم سخت تر کرده است. حتی با وجود پرداخت بخشی از یارانه ها بصورت نقدی اکنون فشار گرانی بر مردم بسیار بیش از قبل از اجرای این طرح است. اما اگر این هم زده شود تنها چیزی که از این طرح میماند همان گرانی چند ده درصدی است که زندگی زیر خط فقر کارگران و مردم محروم را از آنچه اکنون هست نیز بسیار وخیم تر خواهد کرد. تنها راه خلاص شدن از این وضعیت به زیر کشیدن کل جمهوری اسلامی با تمام جناحها و طرحها و سیاستهای میباید. برای مردم هم عملاً راهی جز این باقی نمانده است.\*

تحویل شده) را در شرایط کنونی ندارد. اما اوضاع حتی از آنچه ما پیش بینی کرده بودیم برای جمهوری اسلامی خرابتر از آب در آمد. اول انقلاب و خیزش عظیم سال ۸۸ پیش آمد و همه چیز را بهم ریخت. اما علاوه بر این به مدت کوتاهی بعد از آن خیزش، احمدی نژاد که به همراه این طرح و در واقع با هدف اجرای این طرح به راس دولت رانده شده بود، و به ملیجک خامنه ای شهرت یافته بود، و آنهمه در دسر و مخمصه برای حکومت به این دلیل درست شد، خود با جناح خامنه ای سرشاخ شد. و این دیگر همه چیز را بهم ریخت. و بعلاوه تحریمهای اقتصادی بین المللی هر روز فشار بیشتری را به جمهوری اسلامی وارد میکنند و این بار با تحریم نفت و بانک مرکزی، اقتصاد جمهوری اسلامی به معضل بسیار حیاتی ای روبرو شده است. اکنون بطور خلاصه اوضاع اینگونه است که طرح یارانه ها برای احمدی نژاد یک طرح به اصطلاح ناموسی و مرگ و زندگی است. و برای باند خامنه ای موفقیت این طرح باعث تقویت احمدی نژاد میشود. در نتیجه آن شور و اشتیاقی که از جانب این جناح از ابتدا برای طرح یارانه ها نشان داده میشد بهیچ وجه دیگر وجود ندارد. بلکه برعکس بعضاً سر راه آن سنگ اندازی میکنند و تلاش میکنند آنرا متوقف کنند. از سوی دیگر باند احمدی نژاد میخواهد از این طرح برای مقابله با جناح رقیب استفاده کند و آن جنبه های اقتصادی آن برایش چندان مهم نیست. زیرا چندان آینه ای برای خود در حکومت نمی بیند. طی چند ماه اخیر دولت احمدی نژاد حتی از صندوق ذخیره دولتی و منابع دیگر پول برداشت کرده است تا صرف پرداخت نقدی یارانه ها بکند. و آخرین خبر همانست که این طرح اکنون ۱۵ میلیارد دلار دچار کسری بوده است. بعلاوه ۵۰ میلیارد هم دولت احمدی نژاد از بانک مرکز تنخواه دریافت کرده که آنهم بنا به گفته نمایندگان مجلس اسلامی پرداخت نشده است. به همین دلیل مجلس اسلامی زمزمه کشیدن ترمز این طرح و توقف کامل این طرح را دارد طرح میکنند. بعبارت دیگر

و علیه نظم سرمایه از شرق تا غرب را فرا گرفته است مبشر و مبلغ یاس و بی عملی و خانه نشینی بود و خود را کمونیست و حکمتیست نامید. این ممکن نیست. امروز بر مبنای اسناد و نوشته های منتشر شده چنین به نظر میرسد که بخش اکثریت رهبری این حزب تلاش دارد تا از سیاستهای تا کنونی فاصله بگیرد. گرچه در این اسناد هنوز نشانی از نقد سیاسی و شفاف جهتگیریها و مواضع رسمی این حزب بچشم نمیخورد ولی ما هر تلاشی برای کنار گذاشتن و دور شدن از سیاستهای تا کنونی این حزب را گام مثبتی در جهت تقویت چپ و صمانعت از سقوط کامل و غیر قابل بازگشت این حزب در قعر پسیفیسیم و انحلال طلبی راست میدانیم. راه نجات حزب "حکمتیست" از موقعیت بحرانی و رو به فروپاشی که خود را به آن گرفتار کرده است، نقد و کنار گذاشتن ترزا و سیاستهای است که از بدو تاسیس تا کنون بر آن حاکم بوده است. بدون چنین گسستی نه بحث و نقد نظری بلکه واقعیات جهان معاصر، این حزب را از عرصه سیاست تماماً چارو خواهد کرد. حزب کمونیست کارگری ایران ۲۴ آذر ۱۳۹۰، ۱۵ دسامبر ۲۰۱۱

دوراهی قرار داد که یا باید از سیاستهای خود دست میشست و یا باید انقلاب را انکار میکرد و اینان متاسفانه راه دوم را انتخاب کردند. در یکسال اخیر انقلابات منطقه - که از نظر مضمون و ابعاد فرق ماهوی با خیزش ۸۸ در ایران نداشت- بی ربطی و ضدیت مواضع این حزب با واقعیات را بیش از پیش عیان کرده است و بحران این حزب در پایه ای ترین سطح ناشی از تناقض میان سیاست و خط حاکم با واقعیات سیاسی دنیای امروز در ایران و در سطح جهانی است.

شکل بروز این بحران، کشمکش حاد میان اعضای رهبری این حزب است که امروز بصورت نوعی کودتای مدافعین سیاستهای تا کنونی حزب، که در اقلیت هستند، علیه بخش اکثریت رهبری حزب خود را نشان میدهد. توسل به چنین شیوه های غیر اصولی و ضد کمونیستی خود نشاندهنده بن بست و لاعلاجی مدافعین خط رسمی است. اما مساله بسیار از نقض اصول تشکیلاتی فراتر میرود. مشکل این حزب در نهایت در تناقضی است که میان اسم و عملکرد آن نهفته است. نمیشود در دنیایی که انقلابات و جنبشهای توده ای علیه دیکتاتوریه

بحران داخلی امروز حزبی که خود را حکمتیست مینامد نتیجه گریز ناپذیر سیاستهای راست روانه ای است که از ابتدا نطفه این حزب با آن بسته شد. ما از همان آغاز و در نقطه عطفهای سیاسی متعددی جوهر راست موضعگیریها و سیاستهای این حزب را، که عمدتاً بوسیله کورش مدرسی تدوین و تئوریزه شده است، علناً مورد نقد قرار داده ایم اما امروز واقعیات قویتر از هر نقد سیاسی و نظری مضمون راست، ذهنی گرایانه و پاسیفیستی سیاستهای این حزب را برملا کرده است. در دو سه سال اخیر، از انقلاب ۸۸ ایران تا امروز، دنیا مدام به چپ چرخیده است و جایی برای تیبینات و جهتگیریهای این حزب باقی نگذاشته است. مواضع و ترزهای باغیبت راست و بی پایه این حزب نظیر تشبیت جمهوری اسلامی، ختم جنبش سرنگونی، حمایت مردم از جناحهای حکومت، ضعف چپ و دست بالا داشتن راست در جامعه، قدرقترتی احمدی نژاد بعنوان پرچمدار ناسیونالیسم ایرانی، متعارف شدن سرمایه داری در ایران، تز بحران آفرینی در مرزها و غیره در کوره انقلاب ۸۸ دود شد و بهوا رفت و حزب حامل این نظرات را بر سر این

## سه خبر از اعتراضات کارگری در ایران

این کارخانه همچنان موفق به دریافت حقوق خود نشده اند.

## کشف پرانی یکی از کارگران اخراجی نساجی مازندران به سوی احمدی نژاد

در پی برگزاری مراسمی برای علی کردان وزیر سابق کشور جمعی از کارگران نساجی مازندران با اختلال در سخنرانی احمدی نژاد به سمت وی کفش پرانی کردند. یکی از کارگران اخراجی به نام رشید که خود را به صندلی های ردیف مقابل احمدی نژاد رسانده بود پس از پرتاب کفش نسبت به مشکلات کارگران اعتراض کرد. وی پس از ضرب و شتم توسط نهادهای انتظامی حاضر در محل بازداشت شده است. رشید در دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی نیز به دلیل پرتاب تخم مرغ به سمت وی بازداشت شده بود.

## حبس مدیر عامل کارخانه در دستشویی توسط کارگران

شمال نیوز گزارش داد که کارگران یکی از کارخانه های بزرگ در شمال ایران که علیرغم پیگیری های فراوان تا کنون نتوانسته اند حقوق ۱۶ ماه اخیر خود را دریافت نمایند، مدیر عامل این کارخانه را در دستشویی حبس نموده اند. بعد از حبس مدیر عامل این کارخانه در دستشویی و مدت زمان دیگری که در اختیار کارگران این کارخانه بود با وساطت فرماندار شهر که قول مساعد مینوی بر پرداخت حقوق معوقه کارگران را داده بود این مدیر موفق به ترک کارخانه شده است. در ادامه این گزارش آمده است که خبرهای دریافتی حکایت از عملی نشدن وعده های فرماندار علیرغم قولهای داده شده داشته و کارگران

## انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

## بازتاب هفته

### انفجار در کارخانه غدیر و جنایت تازه سرمایه

تاکون ۱۳ تن از کارگران جان باخته اند



بهروز مهر آبادی

دقایقی بعد از ساعت ۷ بعد از ظهر یکشنبه ۲۰ آذر انفجار در کوره کارخانه فولاد غدیر یزد، یک جنایت دیگر صورت گرفت. اولین گزارش ها از این انفجار حاکی از کشته شدن ۷ نفر و مصدوم شدن ۱۶ نفر از کارگران بود. در گزارش های بعدی تعداد کشته شدگان به ۱۳ نفر رسید. گزارش های منتشر شده درباره علت انفجار همانند تعداد قربانیان ضد و نقیض است. علی اکبر اولیا عضو مجلس شورای اسلامی از یزد، دلیل انفجار را وجود "مهمات اسقاط" در بین ضایعاتی که برای ذوب به داخل کوره سرازیر می شوند دانست. اما فرماندار یزد عزیزاله سیفی از علت بروز انفجار اظهار بی اطلاعی کرد و انفجار کپسول گاز را احتمال بروز انفجار دانست.

بزرگترین مرکز بازیافت ضایعات آهن در ایران در استان یزد قرار دارد و کارخانه فولاد غدیر یزد یکی از واحد های مجتمع فولاد آلیاژی در این منطقه است. این کارخانه ها سخت ترین و نا امن ترین شرایط کاری را دارند. کارگران بدون برخورداری از تجهیزات ایمنی در کنار کوره های با گرمای چند هزار درجه به کار مشغولند. در این کارخانه ها ضایعات فلزی که به قیمت نازل خریداری می شود، ذوب شده و تبدیل به فولاد آلیاژی می گردد. میزان تولید این کارخانه های در سال جاری نزدیک به ۲۷۰ هزار تن برآورد شده است که حجم بیشتر آن به کشور آلمان صادر می شود. سال گذشته صاحبان این صنعت به خاطر داشتن "نگاه توسعه ای" مورد تقدیر مقامات رژیم قرار گرفتند.

همانند سایر کارخانه های ایران، هیچ گونه نظارت و یا کنترلی برای حفظ جان و سلامت کارگران وجود ندارد. برای کم کردن هزینه تولید ضایعات ارسالی به کوره ها بازرسی نمی شوند. در حالی که به قول مسئولین آتش نشانی حتی وجود یک لیتر آب در بین ضایعات ارسالی به کوره ها می تواند موجب بروز انفجار شود، ضایعات فلزی حاصل از تجهیزات نظامی و حتی کپسول های گاز فرسوده بداخل این کوره ها سرازیر می شوند. در چند روز گذشته بعد از انفجار روز یکشنبه افشا شد که از آغاز بهره برداری این کارخانه از سال ۸۶ حداقل ۵ انفجار و آتش سوزی در این کارخانه رخ داده که مقامات از انتشار اخبار آن ممانعت کرده اند. به راحتی می توان دریافت که بروز این انفجار ها در سایر کارخانه ها نیز امری طبیعی است. اما مالکین این کارخانه ها که بیشتر آنان از دست اندرکاران رژیم هستند، مانع از انتشار اخبار این فجایع می شوند. در شرایط پلیسی و سرکوب این کارخانه ها هیچ تشکل کارگری وجود ندارد و بسیاری از کارگران این کارخانه ها و قربانیان این انفجار ها مهاجرین افغان و یا کارگران فقیری هستند که امکان اعتراض و رساندن صدای خود به سایرین را ندارند.

رسانه های داخل ایران خبر از بازداشت مدیر کارخانه غدیر یزد و بعضی از مسئولین آن داده اند و هنوز گزارش مستندی درباره این انفجار منتشر نشده است. اما دلیل واقعی انفجار در کارخانه فولاد غدیر یزد هر چه باشد، متهم اصلی جمهوری اسلامی است. نهاد های سرکوب رژیم از ولع سیری ناپذیر سرمایه داران برای کسب سود بیشتر حمایت می کند و با زندان و شکنجه و کشتار تلاش دارد تا امکان هر اعتراضی را از کارگران سلب نماید. هر سال هزاران کارگر بخاطر نبودن شرایط ایمنی در محل کار جان خود را از دست داده و یا دچار صدمه می شوند. جمهوری اسلامی نماینده وحشی ترین بخش های سرمایه

داری است. آمار رسمی میزان سوانح در محیط های کاری در ایران را بسیار بیشتر از میزان متوسط جهان نشان می دهد. و بخاطر سانسور و اختناق اعمال شده باید آمار واقعی را بسیار بالاتر از ارقام رسمی در نظر گرفت. دهها خانواده سوگوار قربانیان انفجار کارخانه فولاد غدیر یزد هستند، و بسیاری از کارگران و خانواده های آنان برای همیشه صدمات آن را بر تن و روان خود خواهند داشت. ما به خانواده ها و بستگان جانباختگان تسلیت میگوییم. اما برای آنها هیچ تسلیت و اظهار همدردی مناسب تر از آرزوی سرنوینی رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی نیست.\*

### توحشی دیگر: قطع دست و پا

روز یکشنبه ۲۰ آذر دست و پای یک فرد و دست و پا دیگری در زندان عادل آباد شیراز قطع شد. این جنایت بدستور دادستان عمومی و انقلاب شیراز علی القاصی مهر انجام شد و بهانه آن سرقت این دو فرد از بانکهای شیراز بود. او اعلام کرد که دستگاه قضایی فارس در "اجرای حدود الهی" و ادامه این اعمال وحشیانه مصمم است و اجرای احکام اسلامی عصر توحش را راه پیشگیری از جرایم توصیف کرد. قطع دست و پا، در آوردن چشم و انواع مختلف شکنجه های وحشیانه برای سرکوب و ایجاد ارعاب در جامعه از ابتدای قدرت گیری جمهوری اسلامی به اجرا در آمده است. در دو سال اخیر اجرای این احکام ضد بشری گسترش یافته و دهها مورد آن انجام شده است. صدور احکام اعدام نیز افزایش یافته و رژیم در همین روز یک نفر در شهر کرد و پنج نفر را در کرمان اعدام کرد. انتشار این خبر انزجار بیشتر مردم جهان از توحش اسلامی را به همراه داشته است. این جنایت هولناک بار دیگر این سوال برای هر انسان باوجدانی در سراسر جهان مطرح کرد که چگونه می توان چنین حکومتی را به رسمیت شناخت و این وحشیگری را در جهان تحمل کرد. و اساسا چرا چنین حکومت های ضد انسانی و خارج از تاریخ و

مخالف هرگونه معیار انسانی ای هنوز وجود دارند.\*

### متکدیان کدامند؟

کودکانی که دست و پای شکسته و معیوب خود را به تماشا گذاشته اند، زنانی که در کنار خیابان چادر به روی سر خود کشیده اند تا چهره خود را پنهان نگاه دارند و کودکان نحیف خود را در مقابل چشمان مردم قرار داده اند، مردان میانسانی که کت کهنه ای روی سر خود کشیده و روی کاغذی استیصال خود را برای عابریان بیان کرده اند. اینها صحنه هایی است که هر عابر خیابانهای تهران و سایر شهر های ایران هر روز صدها و هزاران مورد آن را می تواند شاهد باشد. در جمهوری اسلامی همراه با افزایش فقر، فلاکت، بیکاری و بیخانمانی، ابعاد این فاجعه نیز گسترش می یابد. خبر منتشر شده در روزنامه جمهوری اسلامی در ۱۱ آذر نمونه ای از تحقیر اسلامی مردم و وضعیت فقر و فلاکت را نشان می دهد. این روزنامه خبر از دور تازه جمع آوری گدایان در شهر ساری می دهد. در این خبر می خوانیم: "در دور جدید جمع آوری متکدیان برخی از آنها شغل دولتی داشته و حتی گفته می شود فیش حقوقی یکی از آنان حقوق ۷۰۰ هزار تومانی را نشان می دهد." در خبر های دیگری شغل این کارمند دولت معلم اعلام شد. در حالی که حتی وابستگان به رژیم خط فقر را بالای یک میلیون تومان در ماه اعلام می کنند، کارمند دولت برای تامین پولی که حداقل هزینه زندگی خانواده اش را فراهم کند، چه راهی بجز گدایی و درخواست صدقه می تواند داشته باشد؟ انعکاس این خبر که نشان دهنده وضعیت اسفبار حقوق بگیران و بخصوص معلمان بود، رژیم را دستپاچه کرد و مقامات رژیم بعد از چند روز ناچار شدند اعلام کنند که کارمندی که بخاطر گدایی دستگیر شده، دچار اختلال حواس بوده. اما

جمهوری اسلامی از پاسخ به این سوال عاجز است که چرا یک کارمند دولت که دچار اختلال حواس است به جای تحت درمان قرار گرفتن و برخورداری از مراقبت، گدایی را بعنوان فعالیت روزمره خود انتخاب کرده است.

جمهوری اسلامی اشخاص محرومی را که ناچارند تن به تحقیر داده و در خیابانها تقاضای اعانه و کمک کنند، با کلمات توهین آمیز گدا و یا متکدی خطاب می کند، آنها را مجرم دانسته، دستگیر و زندانی کرده و مورد بی حرمتی و آزار قرار می دهد. در حالی که متکدیان واقعی سرمایه داران و تجار بزرگ، آخوند های میلیاردر، و فرماندهان سپاه هستند که آخرین لقمه ها را از سفره کارگران و زحمتکشان می دزدند و ثروت های میلیاردی به هم زده اند. همان ها که در رسانه های جبره خوار رژیم با القاب حاج آقا، آیت اله نام برده می شوند. اما آنچه که اهمیت دارد و باید روی آن تاکید کرد این است که صد ها هزار نفر انسانی که در میادین و کوچه ها و خیابان های شهرهای ایران دست نیاز دراز کرده اند، در حقیقت محرومیت خود را از حق زندگی و معیشت اعلام می کنند و هر کدام سندی بر چپاولگری و غارت ثروت های اجتماعی توسط حکومت سرمایه داران، نقش آن در فقر و فلاکتشان و لزوم براندازی این حکومت هستند. این اسناد را نمی توان زندانی کرد و یا از دید مردم جهان پنهان نمود. این یک اصل بدیهی است که هر کسی که در جامعه زندگی میکند باید بلا استثنا از حق مسکن و درمان و معاش یعنی از حق زندگی برخوردار باشد. وجود افرادی که از ابتدایی ترین حقوق انسانی خویش یعنی حق زنده ماندن و سرپناه و غذا و پوشاک محرومند، حکم بر عدم صلاحیت حکومت و لزوم به زیر کشیدن آن میدهد.\*



اساس سوسیالیسم انسان است!

## بازتاب هفته

### رویدادهای منطقه در یک نگاه!



محمد شکوهی

### تظاهرات ۳۰ هزار نفری در بن غازی

در این هفته شهر بنغازی لیبی که کانون اصلی مبارزه بر علیه رژیم ساقط شده قذافی بود، شاهد تظاهرات دهها هزار نفری مردم بر علیه دولت جدید بود. تظاهر کنندگان شعار می دادند: مردم انقلاب تازه ای می خواهند! مردم به سیاستهای دولت جدید در دادن پست های کلیدی به وابستگان رژیم قذافی، اعمال محدودیت های سیاسی از طرف دار و دسته های گرد آمده در حکومت بر علیه آزادی های سیاسی اعتراض داشته و معتقدند که دولت به وعده هایی که داده، عمل نکرده است. علاوه بر این مردم شعارهایی در دفاع از برقراری عدالت، شفافیت در شکل دادن به سیستم حکومتی جدید و دخالت دادن مردم در شکل دادن به نظام سیاسی جدید داده و دولت را به خاطر کم کاری در عملی کردن به وعده های داده شده اش محکوم کردند. در واکنش به این تظاهرات دولت لیبی اعلام کرده است که اقداماتی را برای بهبود اوضاع زندگی و تامین آزادیهای سیاسی در دستور خود داشته و از مردم خواسته است که "آرامش" را حفظ نمایند. فضای اعتراضی کل لیبی را در بر گرفته است.

### سوریه: بیش از ۵۰۰۰ کشته در ۹ ماه گذشته!

در هفته ای که گذشت اعتصاب عمومی در کنار اعتراضات و تظاهرات گسترده بر علیه رژیم اسد ادامه یافت. کانونهای اصلی اعتراضات گسترده در شهرهای ادلب، درعا، حرستا و دوما در

اطراف دمشق، حمص و حماه بوده است. رژیم در نهایت وحشیگری به اعتراضات مردم حمله کرده و طی این هفته نیز بیش از ۱۰۰ نفر را کشته و صدها نفر را دستگیر کرده است. در شهر ادلب در شمال این کشور، حمص، درعا، حماه و حاشیه دمشق ۱۵۰ مغازه که به دلیل اعتصاب بسته شده بودند توسط نیروهای امنیتی و لباس شخصی های مزدور رژیم اسد به آتش کشیده شده اند. به دنبال اعتصاب عمومی و بسته شدن مغازه ها، شهردادلب توسط نیروهای ارتش گلوله باران شده است. صدها مغازه و مراکز کسب و کار به آتش کشیده شده است. اعتصاب عمومی از مدارس، کارمندان برخی دستگاه های دولتی، دانشگاه ها، وسایل ارتباطی آغاز و با بسته شدن بازارها و مراکز تجاری ادامه داشت. در دمشق اعتراضات شبانه در حمایت از اعتصاب عمومی مردم کماکان ادامه دارد.

همزمان با ادامه اعتراضات نیروهای نظامی جدا شده از ارتش به جنگ بر علیه نیروهای هوادار اسد پرداخته و در مناطق ادلب و درعا با نیروهای سرکوبگر درگیر شده و مانع پیشروی ارتش برای سرکوب مردم این شهرها شده اند. بنا به گزارش های منتشر شده در درگیری های صبح پنجشنبه ۲۴ آذر ۳۵ نفر از نیروهای ارتش کشته شده اند. نیروهای امنیتی و اطلاعاتی به همراه لباس شخصی ها خانواده ها و وابستگان نیروهای نظامی مخالف رژیم را دستگیر و به مناطق نامعلومی انتقال داده اند. مخالفان رژیم و گروههای مدافع حقوق بشر که موفق به ورود به برخی شهرهای سوریه شده اند، اخبار و گزارشات تکان دهنده ای از جنایات رژیم اسد تهیه و به جهان مخابره کرده اند. در واکنش به این گزارشات و مخالفت های جهانی با سیاست های سرکوبگرانه رژیم اسد، هفته گذشته برخی کشورهای اروپایی در سازمان ملل خواهان واکنش کمیته حقوق بشر سازمان ملل شدند. در همین رابطه سازمان ملل رژیم سوریه را به

ارتکاب جنایت علیه بشریت متهم کرد. در حالیکه سرکوب انقلاب مردم ادامه دارد رژیم اسد برای تأیید نظامش "انتخابات محلی" برگزار کرده است. این مضحکه دولتی رسماً از طرف مردم تحریم شده و فقط حکومتی ها در آن شرکت کرده اند. همزمان فشارهای جهانی به همراه گسترش تحریمها بر علیه رژیم ادامه دارد.

با توجه به متزلزل تر شدن وضعیت رژیم اسد، جمهوری اسلامی مبادلات اقتصادی و بدل و بخشش های نفتی و مواد پتروشیمی برای برپا نگه داشتن اسد را در دستور خود قرار داده است. دلالتان و واسطه های نفتی و در وهله اول خود دولت، برای کاستن از اثرات تحریم اقتصادی بر رژیم سوریه، اقدام به خرید نفت از سوریه کرده است. در ادامه قرارگاه خاتم وابسته به سپاه پاسداران امکانات حمل و نقل دریایی خرید، بارگیری کشتی های حامل نفتکش سوریه را برای فروش در بازارهای جهانی در اختیار رژیم سوریه قرار داده است. علاوه بر این جمهوری اسلامی میلیاردها دلار در همین چند ماه گذشته وام های بلاعوض به همراه تجهیزات نظامی برای رژیم اسد برای سرکوب انقلاب مردم در اختیار این رژیم قرار داده است. در خارج کشور نمایندگی های جمهوری اسلامی و وابستگان اقتصادی سفارت های رژیم امور مریوط به جمع و جور کردن مبادلات بازرگانی برای رژیم اسد را دنبال می کنند. بر اساس اخبار و گزارشات رسانه های خارجی و افشاگرهای نیروهای مخالف رژیم اسد، جمهوری اسلامی وسیعاً برای کاستن بار فشار تحریمها بر رژیم سوریه وارد عمل شده و رسماً حمایت مردم را اعلام کرده است. در همین چند هفته اخیر که لیست شرکتهای مورد تحریم اروپا اعلام گردید، اسامی چندین شرکت ایرانی که مشغول معامله با رژیم اسد بودند در میان تحریم شدگان بود. در این هفته سازمان ملل اعلام کرد که تعداد کشته شدگان در سوریه در ۹ ماه گذشته از مرز ۵۰۰۰ هزار نفر گذشته است. در طول این مدت بیش

از ۳۰۰ کودک نیز کشته شده اند. نزدیک به ۱۹ هزار نفر دستگیر و صدها هزار نفر از مردم شهرهای حمص، درعا، بانسیاس و ادلب به دنبال حملات وحشیانه ارتش آواره گشته اند.

### یمن: آغاز به کار دولت جدید و ادامه اعتراضات مردم!

هفته گذشته منصور هادی با سفارش معاون صالح دیکتاتور مستعفی یمن "دولت وحدت ملی" را تشکیل داد. همزمان با ادامه زد و بندها با بخش هایی از اپوزیسیون متمایل به رژیم و وابستگان رژیم قبلی، تظاهراتی مردم بر علیه دولت جدید نیز ادامه داشته است. در شهرهای تعز، صنعا و عدن هر روز دهها هزار نفر بر علیه دولت جدید به خیابانها ریخته و علیه این دولت تظاهرات می کنند. خواست مردم کنار رفتن دولت فعلی، دستگیری و محاکمه صالح دیکتاتور می باشد. در این میان نیروهای ارتش و وقادار به دولت جدید هر کجا

که می توانند به تظاهراتی مردم حمله می کنند. اواخر هفته گذشته در جریان حملات نیروهای ارتش به مردم بیش از ۵۰ نفر کشته شده اند. وضعیت یمن به دلیل ادامه جنگ های قبیله ای و تفرقه های دار و دسته های اسلامی در ایجاد ناامنی به همراه ادامه سرکوب های نیروهای وفادار به رژیم صالح در حاله ای از ابهام قرار دارد. در شهرهای بزرگ نظیر عدن و صنعا قدرت عملاً در دست مردم می باشد و بخشا نیروهای ارتش زیاد قدرت مانور ندارند. برای اولین بار در چند ماه گذشته یک سازمان سیاسی به نام جوانان انقلابی یمن اعلام موجودیت کرده است. در بیانیه ای که از طرف این سازمان صادر شده است، آمده که این سازمان نیروی سوم بوده و در جهت تعمیق انقلاب مردم برای سرنگونی حکومت مبارزه می نماید. این سازمان از مردم خواسته است که فریب وعده های "دولت وحدت ملی" را نخورده و تا سرنگونی کل نظام خیابانها را ترک ننمایند.\*

### یورش ماموران انتظامی رژیم به کارگران پالایشگاه آبادان و بازداشت آنان

روز جمعه ۱۸ آذر واحد کت کارکر قدیم پالایشگاه آبادان دچار اشکال فنی و از کار افتادگی می گردد. روز شنبه مدیریت پالایشگاه ۲۰۰ کارگر را جهت ورود به این واحد و برطرف کردن مشکلات ایجاد شده فرا می خواند. در حین آماده شدن آنان در قسمت ورودی پالایشگاه، ماموران اداره کار رژیم در آبادان در محل حاضر شده و مانع دست بکار شدن این کارگران می شوند. آنان می گویند که بایستی اداره کار نیرو بفرستد. کارگران در برابر آنان ایستادگی می نمایند و درگیری هایی میان طرفین رخ می دهد. همزمان ماموران انتظامی رژیم خود را به محل می رسانند و سعی می کنند کارگران را متفرق نمایند. تعدادی از کارگران مقاومت می نمایند که از سوی ماموران بازداشت و به پاسگاه نیروی انتظامی منتقل می شوند.

### تجمع اعتراضی کارگران اخراجی آذر شایان سیستم میانه

طی چند روز گذشته بعثت تعطیلی کارخانه آذر شایان سیستم شهرستان میانه بیش از ۱۲۰ نفر از کارگران این کارخانه از کار اخراج شده اند. در این مدت کارگران اخراجی هر روزه در مقابل کارخانه دست به برپایی تجمعات اعتراضی زده و خواهان راه اندازی فوری کارخانه و بازگشت به سر کارهایشان شده اند. کارگران اعلام داشته اند از حق و حقوق خود عقب نشینی نخواهند نمود و اگر لازم باشد مشکلات خود را به تهران هم خواهند کشاند.

### دفتر مرکزی حزب

Tel: 0046-739318404  
Fax: 0046- 8 6489716  
markazi.wpi@gmail.com

## جنایتی دیگر در ...

از صفحه ۱

شهلا دانشفر



کار و در همدستی آشکار مقامات دولت با آنان جان خود را از دست دادند و تعدادی هم که در بیمارستان بسر میبردند اساسا دچار سوختگی صد در صد شده و در خطر مرگ قرار دارند.

بنا بر گزارشات دولتی در شیفیت پایانی این کارخانه در این روز ۱۹ کارگر به کار مشغول بودند که در نتیجه این انفجار ۵ نفر آنان در دم جان باختند، سه نفر از آنها بعد از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست دادند، در خبر امروز ۲۳ آذر رقم جانباختن به ۱۲ نفر رسید. این درحالیست که باقی آسیب دیدگان نیز در وضعیتی وخیم در بیمارستان بسر میبرند. به گفته فرماندار یزد تعدادی از جانبباختگان این اتفاق ناگوار از «اتباع بیگانه» مقیم استان یزد، یعنی کارگران افغان و تعدادی از آنها استانهای همجوار بوده اند و یک نفر از آنان ساکن یزد بوده است.

اسامی تعدادی از کشته شدن این اتفاق ناگوار در نورد یزد عبارتند از: عدنان عزیزی، عبدالحمید صادقی، مصیبت کریمی راد، مراد خالقیپور، ایرج مهاجری، ولی محمدی، رحم الدین نورزهی و خدارحم اولیازهی

بدین ترتیب شهر یزد در شوک و غم از دست دادن این عزیزان است. جانباختن کارگران نورد فولاد غدیر یزد را به خانواده هایشان و به مرد شهر یزد و همگان تسلیت میگویم

خبرها به روشنی گویای قتل و جنایتی دیگر در کارخانه نورد یزد است. تمام تلاش جانباختگان اسلامی و صاحبان کار بر این است که علت چنین جنایت آشکاری را از چشم خانواده های این کارگران و مردم دور نگاهدارند. محمد میر جلیلی مدیرعامل آتش نشانی یزد علت وقوع حادثه را وجود آب در آهن قراضه های پرس شده در کوره ذوب آهن اعلام کرده و میگوید حتی وجود یک لیتر آب در میان قراضه آهن ها در آن درجه کوره می تواند سبب بروز چنین حادثه ای شده باشد. بعد ظاهرا در وسط دعوای درون حکومتی، علی اکبر اولیا نماینده مجلس

اسلامی در یزد علت ماجرا را استفاده از مهمات اسقاط شده و «به احتمال زیاد، انفجار کپسول گاز» در

کارخانه ذکر میکند و میگوید در بین این ضایعات مهمات اسقاطی عمل نکرده وجود داشته است که موجب بروز انفجار در کارخانه شده. عده ای نیز وجود کپسول گاز را در میان ضایعات ذوب آهن عامل این انفجار اعلام کرده اند.

برخی دیگر از مسئولین هم در برابر این جنایتشان کاملا سکوت کرده و اعلام می دارند که در صورت نیاز پس از کشف علت حادثه، مسئولان ارشد استان خود علت این حادثه را اعلام می کنند.

در همین رابطه عزیز الله سیفی فرماندار یزد با ذکر اینکه این کارخانه متعلق به بخش خصوصی است، از انجام تحقیقات برای مشخص شدن علت یا دلایل این حادثه سخن میگوید. ضمن اینکه او در گفتگو با ایلنا میگوید: «در گفتگو با کارشناسان این نظر مطرح شده که تعدادی کپسول گاز میان ضایعات قابل ذوب، روانه کوره شده که در نتیجه انفجار این کپسولها کوره نیز منفجر شده است». به گزارش ایلنا فرماندار یزد حاضر نشده نسبت به محل خرید آهن قراضهها و منبع اصلی انتقال آن به این کارخانه، جزئیاتی را درز بدهد.

در حالیکه بنا بر گزارش مهر از سال ۸۶ تا کنون پنج حادثه در فولاد غدیر رخ داده است. که ظاهرا مسئولان کارخانه هرگز اجازه انتشار اخبار آن را نداده اند و بدین ترتیب مقامات دولتی همگی در سکوت در قبال پرونده این جنایت سهیم اند. در گزارش مهر از کشته شدن یک نفر در سال گذشته در حادثه مشابهی در این کارخانه خبر میدهد.

تا همین جا خبرها ابعاد فاجعه ای که در این کارخانه روی داده و منجر به چنین کشتاری شده است را بر ملا میکند.

کل این اظهارات ضد و نقیض گویی و سراسیمگی دولت و مقامات مسئول کارخانه نورد یزد را در برابر خشم خانواده های جانبباخته و مردم یزد و کارگران این کارخانه به نمایش میگذارد.

از جمله استاندار یزد دستور به تشکیل «کمیته کشف علت ماجرا و دلجویی از خانواده های کشته شدگان

و مصدومان» را صادر میکند.

سیفی فرماندار یزد از در دستور گذاشتن تحقیق در مورد ماجرا و بازداشت مدیران کارخانه سخن میگوید و از دستورات استاندار به شهرداری و اداره کل اتباع خارجی، مبنی بر پرداخت تمامی هزینه دفن و انتقال کشته شدگان و مصدومان و انتقال بدون هزینه و سریع اتباع کشته شده به کشورهایشان و هماهنگی های انجام گرفته لازم در این مورد خبر میدهد و به این شکل این جانباختگان تنها مسئولیتی که بر دوش گرفته اند، دفن بدون هزینه جانبباختگان است. و تصور میکنند که میتوانند رد پای جنایتشان را پاک کنند. خصوصا اینکه تعدادی از جانبباختگان بقول ایشان از «اتباع بیگانه» یعنی این بیحقوق ترین بخش کارگری بوده اند.

اما خانواده های جانبباختگان نورد یزد، کارگران این کارخانه و مردم یزد و همگان عاملین این کشتار و جنایات را می شناسند. کشتار در نورد یزد، اتفاق تازه ای در این کارخانه نیست. همان طور که جلوتر اشاره کردم بنا بر گزارشات خودشان حداقل از سال ۸۶ تا کنون پرونده اش باز است. عاملین این جنایت آشکار باید فوراً مورد پیگرد و دستگیری قرار گیرند.

نباید در برابر چنین جنایتی ساکت نشست. نباید گذاشت چنین جنایتی دوباره در این کارخانه تکرار شود. مراسم گرامیداشت کارگران جانبباخته را باید به محل اعتراض خود علیه جنایت صاحبان جنایتکار کارخانه نورد یزد و همدستی دولت با آنان و تضمین ایجاد شرایط ایمنی محیط کار در این کارخانه و پایان داد به چنین جنایاتی در آنجا تبدیل کرد. خانواده های جانبباخته عزیزانشان را از دست داده اند، نان آور خانواده شان را از دست داده اند، باید همه آنها تحت پوشش فوری تامین اجتماعی و برخورداری از یک زندگی انسانی قرار گیرند.

خواستار خسائدهای جانبباختگان نورد یزد و کارگران این کارخانه دستگیری و محاکمین عاملین این کشتار است.

(توضیح انترناسیونال: این مطلب روز ۱۵ دسامبر یعنی چهارشنبه این هفته روی سایت روزنه منتشر شده. آخرین خبرها گویای اینست که تعداد کشته ها به ۱۳ نفر رسیده است. احتمال افزایش تلفات

## حکومت مافیائی روسیه ...

از صفحه ۱

مخخصه ای جدی افتاده اند. چرخش صحنه سیاسی جهان به چپ و رادیکالیسم طبعاً علیه همه دولت‌های ارتجاعی و از جمله دولت‌های بورژوازی غرب است. اما روسیه و چین در این زمینه گویی حتی بویی از مصلحت گرایی و پراگماتیسم هم نبرده اند. تماما زمین گیر شده اند و تا آخر در کنار دیکتاتورها میمانند و دست را می بازند. به همین دلیل مردم جهان هرجا که علیه حکومت‌هایشان مبارزه میکنند یک دشمن خود را روسیه و چین میدانند. در ایران شاهد بودیم که در سال ۸۸ وقتی که مردم در خیابان ها علیه جمهوری اسلامی شعار میدادند علیه این دولت نیز شعارهای تند را فریاد میزدند. معلوم نیست مغز علیل لاوروف این همه خباثت را که برای ایشان منبع پول و ثروت و سرمایه گذاری است، چگونه بعنوان «اخلاق» توضیح میدهد. واقعا مسخره و تهوع آور است. در هفته های اخیر شاهد این هستیم که در خود روسیه نیز تظاهراتی صدها هزار نفره ای علیه پوتین و دولت حاکم به جریان افتاد و این حکومت را به لرزه در آورد. بدون تردید دولتی که رسماً در همه جا بعنوان پشتیبان دیکتاتورها و شکنجه گران و مفت خوران شناخته شود، در فضای رشدیابی رادیکالیسم به بحرانی جدی دچار خواهد شد. سرنوشت مدافعان دیکتاتورهای نظیر بشار اسد و خامنه ای، چندان با خود این دیکتاتورها متفاوت نخواهد بود. دنیای امروز دنیای حکومت‌های سرکوبگر و شکنجه گر و خودکامه نیست. دیر یا زود هه بشار اسدها و خامنه ای ها باید گورشان را گم کنند. و سوپر دولتهایی که از آنها دفاع میکنند نیز زیر ضرب اعتراضات و انفجارات اجتماعی گسترده قرار خواهند گرفت و دچار بحران جدی خواهند شد و متلاشی خواهند شد. این سرنوشت گریز ناپذیر دولت جناب لاوروف و پوتین در روسیه است. \*

این انفجار به دلیل وضعیت وخیم برخی زخمی ها وجود دارد. انترناسیونال به بستگان و همکاران و دوستان این جانبباختگان صمیمانه

اخلاقی" نامیده است و گفته است که این دولت‌ها باید با مخالفین رژیم اسد و نیروهای امنیتی این رژیم به یکسان برخورد کنند. شنیدن چنین انتقادی از جانب دست اندرکاران حکومت کنونی روسیه برآستی اعجاب انگیز و سرگیزجه آور است. فعلا به سیاست حکومت‌های غربی کاری نداشته باشیم. در اینکه دولت‌های غربی معیار اصلی شان در سیاست سود و مصالح دیپلماتیک دولت‌های خودشان است و نه چیز دیگر هیچ تردیدی نیست. اما دولت روسیه به این جنبه اعتراضی ندارد و گرنه فقط موضوع سوریه را انتخاب نمیکرد بلکه اساس مساله اینست که روسیه مدافع حکومت سوریه است و دفاع از این حکومت را «اخلاقی» میدانند. واقعا جناب لاوروف آیا عبارت بهتری برای توصیف سیاست دولت متبوعش پیدا نکرده؟ این حکومتی است که امروز همان نقشی را دارد ایفا میکند که ارتجاع تزاری روسیه در قرن نوزدهم ایفا میکرد. یعنی ستون اصلی ارتجاع و توحش در سطح جهان. حکومت جناب لاوروف مدافع حسنی مبارک در برابر مردم معترض بود، مدافع صدام حسین بود، مدافع قذافی بود و مدافع حکومت سنگسار و اعدام و ارتجاع اسلامی در ایران است. واقعا آیا جناب لاوروف میتواند یک توضیح اخلاقی در مورد این سیاستها بدهد تا معنای اخلاق برای بشریت روشن شود؟ از همین جمله اش که میگوید با مخالفین بشار اسد و نیروهای امنیتی که مردم را کشتار میکنند باید برابر برخورد کرد میتوان فهمید که این آدم تا چه حد دچار بیماری مغزی شده است و حکومت روسیه تا چه حد از جهان امروز پرت است.

حقیقت اینست که دولتهایی نظیر روسیه که به دلیل و بهانه رقابت با غرب از هر ارتجاع سیاسی و جنایتکارانه ای نظیر توحش اسلامی در ایران دفاع میکنند، با بالا گرفتن فضای انقلابی در سطح جهان علیه حکومت‌های خودکامه، به

تسلیمت میگویند) خرین خبرها حاکی است که تعداد کشته ها به ۱۳ نفر رسیده است. آخر

## خطاب به کارگران و مردم به کمک رضا شهابی، کارگر زندانی، بشتابیم



### به اتحادیه های کارگری در سراسر جهان

دهد و به او اطمینان دهیم که در کنارش هستیم.

رضا شهابی بخاطر تلاش کارگران شرکت واحد برای ایجاد تشکشان و مبارزاتشان برای حق و حقوق خود در سال ۲۰۰۶ زندانی

است. رضا شهابی باید فوراً از زندان آزاد شود. ما از همه اتحادیه های کارگری در سراسر جهان میخواهیم که به جنایات جمهوری اسلامی در قبال رضا شهابی و زندانیان سیاسی در ایران اعتراض کنند. جمهوری اسلامی در قبال جان رضا و وضعیت جسمی وخیمی که امروز او در آن بسر میبرد، مسئول است. باید چنین رفتار جنایتکارانه ای در قبال زندانیان سیاسی در ایران با شدید ترین اعتراضات جهانی پاسخ گیرد.

به هر شکل که میتوانید، با اعتراض خود و محکوم کردن جمهوری اسلامی رضا شهابی و کمیته دفاع از او را مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهید.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
۲۰ آذر ۹۰، ۱۱ دسامبر ۲۰۱۱

رضا شهابی عضو سندیکای شرکت واحد، بیست روز است که در اعتصاب غذا بسر میبرد. جان او در خطر است. بنا به گفته پزشکان خطر فلج شدن او را تهدید میکنند، باید برای نجات جان او کاری کرد.

این دومین بار است که رضا در اعتراض به ادامه بازداشتش دست به اعتصاب غذا میزند. رضا شهابی از ۱۲ ژوئن ۲۰۱۰، یعنی ۱۸ ماه است که در زندان است. برای او وثیقه تعیین کرده بودند، اما علیرغم اعلام آمادگی خانواده اش و تهیه پول از جانب آنها، بازهم آزادش نکردند.

بنا بر خبر منتشر شده از سوی کمیته دفاع از رضا شهابی قرار بود او را امروز ۱۱ دسامبر به بیمارستان منتقل کنند، اما وی را به بند دیگری از زندان اوین، بند ۳۵۰ انتقال داده اند.

همراه با رضا شهابی و همراه با کمیته دفاع از او و خانواده اش فشار بیاوریم که رضا را فوراً از زندان آزاد کنند. ادامه اعتصاب غذا برای رضا خطرناک است، با اعتراض گسترده خود به جمهوری اسلامی، کاری کنیم که رضا به اعتصاب غذاش خاتمه

برای آزادی رضا تلاش کنند. حزب کمونیست کارگری از رضا شهابی عزیز نیز تقاضا میکند به اعتصاب غذا پایان دهد. اما اینجا نیز حمایت مردم نقش مهمی دارد. هرچه حمایت وسیع تر باشد رضا شهابی نیز با خیال راحت تری میتواند دست از اعتصاب غذا بردارد و امیدوار باشد که حمایت گسترده مردم در ایران و در سطح بین المللی به آزادی او منجر میشود.

رضا شهابی و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً و بی قید و شرط از زندان آزاد شوند. حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۰ آذر ۱۳۹۰، ۱۱ دسامبر ۲۰۱۱



### رضا شهابی به بیمارستان منتقل شد

رضا شهابی همچنان در اعتصاب غذا بسر میبرد

همبستگی با رضا ضمن درخواست از او به پایان دادن به اعتصاب غذا، خواهان رسیدگی به وضعیت وخیم جسمی رضا شده و اعلام میکنند که در صورتیکه به وضع رضا رسیدگی نشود، او نیز به اعتصاب غذاش که از ۲۳ آذر آغاز کرده است ادامه خواهد داد. متن پیام بهنام ابراهیم زاده ضمیمه است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی همچون همکاران، همچون بهنام ابراهیم زاده و دیگر دوستداران رضا شهابی از او میخواهد که به اعتصاب غذای خود خاتمه دهد. ما از همه کارگران و همگان میخواهیم که رضا شهابی و کارگران زندانی را مورد وسیعترین حمایت خود قرار دهند. اعتراض خود را به فشارهای جمهوری اسلامی بر زندانیان سیاسی اعلام دارند و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط همه کارگران زندانی، رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده، ابراهیم مددی، علی نجاتی، رسول بداعی و همه زندانیان سیاسی از زندان شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
۲۵ آذر ۱۳۹۰، ۱۶ دسامبر ۲۰۱۱

### ضمیمه:

رضا شهابی عزیز

رضا شهابی، عضو هیات مدیره سندیکای شرکت واحد بیست روز است در اعتراض به وضعیت بلا تکلیف خود در زندان دست به اعتصاب غذا زده است. خانواده رضا شهابی کمیته ای در دفاع از رضا تشکیل داده اند و از کارگران و مردم و سازمانهای کارگری خواسته اند برای آزادی رضا شهابی تلاش کنند و به کمیته دفاع از رضا بپیوندند.

رضا شهابی اکنون ۱۸ ماه است در زندان جمهوری اسلامی است. سال ۸۴ او را از کارش تعلیق کردند و پس از اشتغال مجدد به کار روز ۲۲ خرداد سال قبل دستگیر و به زندان اوین منتقل شد. رضا از وضعیت جسمی بدی رنج میبرد و اعتصاب

بنا بر خبر منتشر شده از سوی سندیکای کارگران شرکت واحد رضا شهابی عضو هیات مدیره این سندیکا با پیگیری خانواده اش جهت معالجه بیماری آرتروز خود روز سه شنبه ۲۲ آذر به بیمارستانی در تهران منتقل گردید و در آنجا توسط پزشکان متخصص معاینه و ادامه رسیدگی کامل به بیماری وی روز های بعد موکول گردید. رضا در اعتراض به ادامه بازداشت خود در زندان از اول آذر ماه در اعتصاب غذا به سر میبرد و وضعیت جسمی او وخیم است. در این رابطه سندیکای شرکت واحد ضمن اعلام حمایت از رضا شهابی همکار خود، از او خواستار پایان دادن به اعتصاب غذایش شده است. در این بخش از اطلاعیه شرکت واحد آمده است:

"اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن حمایت از عضو بازداشتی خود از رضا می خواهد برای حفظ سلامتی خود اعتصاب غذای خود را بشکند تا پزشکان بتوانند رسیدگی های تکمیلی را با آرامش خیال به نتیجه برسانند."

همچنین بهنام ابراهیم زاده یکی دیگر از کارگران زندانی که به ۵ سال زندان محکوم شده و همچون رضا شهابی از ۲۲ خرداد ۸۹ تا کنون در زندان است، طی پیامی در

**کمپین برای آزادی کارگران زندانی**  
shahla\_daneshfar@yahoo.com  
00447779898968  
شهرلا دانشفر

bahram.soroush@gmail.com  
0044-7852 338334  
http://free-them-now.blogspot.com/p/  
بهرام سروش

## زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

## مردم لیبی علیه ... از صفحه ۱



که کلا تحولات لیبی و انقلابات منطقه را دنبال کرده باشد این رخداد عجیبی نیست. روشن است که مردم برای این نوع حکومتی که الان در لیبی سر هم بندی شده انقلاب نکرده اند. همانموقع که اسلاميون قدم جلو گذاشتند و حرف از اسلام در لیبی زدند و نوع به اصطلاح معتدل اسلامی، حزب ما اعلام کرد که مردم لیبی برای دولت نوع کرزای انقلاب نکرده اند و بنابراین از همانموقع ما واقعیت این حقیقت را میدیدیم. که مردم تن به این نخواهند داد و خوشبختانه امروز می بینید که این حرکت شروع شده و در بن غازی که در واقع نقطه شروع و پایگاه انقلاب لیبی بود مردم دوباره با خواستهای روشنی به خیابان آمده اند و میگویند این حکومت تازه را نمیخواهیم. مردم اعلام کرده اند که از مسئولین و مقامات قبلی هیچکس نباید در دولت جدید باشد و میدانیم که مصطفی عبدالجلیل که الان به اصطلاح رئیس این شورای موقت لیبی است خودش در دم و دستگاه قذافی وزیر بوده است. ایشان بیش از ده سال در رژیم قذافی وزیر دادگستری بوده است. مردم در واقع به روشنی دارند میگویند که باید بروی کنار و نه تنها او بلکه میگویند که هرکس که در دوره قذافی مسئول امری بوده است نباید در حکومت جدید باشد. اینها خواستهای روشنی است. مردم عدالت میخواهند، برابری میخواهند، مردم آزادی میخواهند، از جمله در خواستهایشان بروشنی اعلام کردند که آزادی بدون قید و شرط میخواهند. آزادیهای سیاسی میخواهند. اینها خواستهای انسانی و برحق است که انقلاب بر سر آنها برپا شده و من فکر میکنم که در برابر هر نیرویی که در مقابل این خواستهای مردم وقعی نگذارد و به آنها جواب ندهد مردم اعتراض خواهند کرد. الان روحیه انقلابی در لیبی بالاست. مردم قدرت خود را دیده اند و خوشبختانه شروع این حرکت را داریم می بینیم.

سیما بهاری: شما به یکسری از خواستهای مردم اشاره کردید و من هم در ابتدای صحبتم اشاره کردم که

مساله خواست آزادی بیان و یا همانطوریکه شما گفتید اینکه کسانیکه در حکومت قذافی دست اندر کار بوده اند، کاره ای در حکومت بوده اند اجازه ندارند در حکومت جدید باشند و اینکه شفافیت بیشتر میخواهند. مردم معتقدند که این شورای موقت پشت پرده یکسری تصمیمات را میگیرد. خوشت که کمی بیشتر در مورد این خواستها صحبت کنید. نظرتان در مورد این خواستها چیست؟

حمید تقوایی: به نظرم اینها خواستهای بسیار مهمی است. چون مساله شفافیت و اینکه تصمیم گیری ها در واقع علنی باشد مقابل کل توطئه گریهای پشت پرده است. در گزارشات خبری آمده است که این دولت جدید مشغول سازمان دادن يك دستگاه امنیتی است. دستگاه نظامی، پلیسی جدیدی را دارد پشت پرده برای کل لیبی سازمان میدهد. یا اینها دارند قوانینی را تصویب میکنند اما به مردم اطلاع نمیدهند که این قوانین چه هستند. یا مذاکراتی را الان با دولت های غربی دارند که باز مردم از آن بیخبرند. اینها را در گزارشات خبری مربوط به لیبی می بینیم. مردم دقیقاً به همین اعتراض دارند. میگویند که دیپلماسی مخفی، مذاکرات پشت پرده، بند و بست و سرهم کردن سازمانهای سرکوب مردم به اسم امنیت ملی و غیره را دیگر نمی پذیریم. باید شفاف، روشن، علنی، بیابید بگوید که دارید چه میکنید. و این خواست آنچنان فشاری به همین دولت فعلی لیبی آورده است که رهبر شورای موقت، یعنی همان مصطفی عبدالجلیل آمده و اعلام کرده است که به زودی ما اینها را اعلام میکنیم و داریم سایتی راه اندازی میکنیم و به زودی همه این اطلاعات را در اختیار همه مردم خواهیم گذاشت. خوب این عقب نشینی ای هست که در برابر فشار مردم دارند میکنند. ولی مردم نباید به این راضی بشوند. بحث بر

سر سایت یا به اصطلاح اعلام موضع رسمی دولت نیست. بحث بر سر اینست که این دولت دارد تصمیماتی میگیرد که تماماً به ضرر مردم است و در برابر خواست آنهاست. و مردم به همین دلیل دارند میگویند ما شفافیت میخواهیم و باید همه تصمیم گیری ها به اطلاع ما برسد. به نظر من اینهم در کنار آزادی بیان، در کنار خواست برکناری مقامات دولت گذشته و در کنار خواست عدالت و برابری خواست مهمی است و جامعه به روشنی الان دارد نشان میدهد که مردم لیبی بسادگی کوتاه نمی آیند و بر سر این خواستهای انسانی خود ایستادگی میکنند.

سیما بهاری: يك نظری که الان هست و من دلم میخواهد با شما در میان بگذارم اینست که گفته میشود که اسلاميون به اصطلاح میانه رو حاکمین بلا منازع لیبی و کشورهایی هستند که در آنها انقلاب اتفاق شده است، آیا قضیه از نظر شما اینطور نیست؟ کلا نظر شما در این مورد چیست؟

حمید تقوایی: این سیاستی است که دولتهای غربی دارند به پیش میبرند. و همینطور نیروهای ارتجاعی، بازماندگان نظامها و دیکتاتورهای سرنگون شده به اضافه دولتهای غربی و نیروهای ارتجاعی ای که در جامعه هستند مثل اخوان المسلمین در مصر یا نیروهای اسلامی در تونس و غیره. اینها همه جزو این سناریو هستند و اینطور میخواهند وانمود کنند که گویا مردم انقلاب کرده اند حالا برای يك نوع دیگری از اسلام و بقول خود شان اسلام معتدل، اسلام خوش خیم، اسلام نوع ترکیه، و دوباره میخواهند بساط قوانین شریعه و غیره را پهن کنند. خیلی روشن است که این يك دسیسه است. يك به اصطلاح دولت سازی از بالا ست و مردم به این تن نمی دهند. در تونس هم ما مقاومت ها و اعتراضاتی را علیه این سیاست شاهدیم. در مصر هم این فاز دوم انقلابات مصر در برابر این بند و بست های اخوان المسلمین با حکومت نظامی طنطاوی است و انتخاباتی که اینها سرهم کردند مردم به آن اعتراض دارند. و در لیبی نیز امروز می بینیم که خوشبختانه این

حرکت هست. همین حرکت ها، همین واقعیات نشان میدهد که تا چه حد این سناریو های دلخواهی ساختگی و برای حفظ سلطه ارتجاع از بالا است. این سناریوی اسلاميون و یا اینکه گویا نوعی اسلام معتدل هست که توی این کشورها باید به حکومت برسد و یا اینکه گویا مردم برای اینها انقلاب کرده اند، مردم خودشان با صدای بلند دارند اعلام میکنند که خواستهایشان آزادی و انسانیت و برابری است. همانطور که در انقلاب لیبی و همه انقلابات اعلام شد که خواستهایشان عدالت است، برابری است، خواستشان آزادی است و نیروهای اسلامی خیلی روشن است که در مقابل همه این خواستها ایستاده اند و مردم آنها را تحمل نمیکند و نمی پذیرند. در هر حال میخواهم بگویم این نوع گفتمانی که شما به آن اشاره کردید جزو تبلیغات بالایی هاست. به اصطلاح. و مردم و اعتراضات خیابانی در مقابل اینهاست.

سیما بهاری: اجازه بدهید در انتهای صحبت هایمان به این مساله اشاره کنیم که همه شواهد و ظواهری که آدم می بیند این را نشان میدهد که انقلابات قرار است بدست يك عده ای دزدیده شود. مردم انقلابی لیبی چطور می توانند در مقابل ضد انقلاب از انقلابشان دفاع کنند؟ چه باید بکنند؟

حمید تقوایی: ببینید معیارها و شاخص های معینی هست. يك خواستهای فوری ایست که مردم دارند و این خواستها را باید در برابر هر دولتی که ادعا میکند حاکمیت ملی است و یا شورای موقت است یا دولت گذار است، هر ادعایی میکند مردم باید در برابر آنها این مطالبات را

بگذارند و با این شاخص ها بسنجند. مهمترین اینها همانطور که مردم لیبی نیز دارند اعلام میکنند عدالت است، برابری است، آزادی است، آزادی بیان و آزادی های سیاسی است. به رسمیت شناختن حق دخالت مردم، تشکل مردم، و به خیابان آمدن و در خیابان ماندن مردم برای دخالت در امور است، علنیت و شفافیت است. اینها خواستهایی است که مردم به نظر باید به عنوان شاخص در نظر بگیرند و در برابر هر دولتی که ادعای حمایت از مردم را دارد قرار دهند. يك خواست مهمی که باز در لیبی مطرح است و در مصر نیز مطرح است اینست که مقامات سیستم و دولت گذشته به هیچ وجه نباید در دولت آتی جایی داشته باشند. اینها باید بیایند و به مردم لیبی حساب پس بدهند. اینها نه تنها نماینده مردم نیستند بلکه در جنایت ها و سرکوبگرهایی که علیه مردم در سیستم های دیکتاتوری گذشته اتفاق افتاده همه سهم داشته اند. سهم بوده اند. دخیل بوده اند. مثل طنطاوی در

مصر و یا همین جناب عبدالجلیل در لیبی. اینها باید بیایند و به مردم حساب پس بدهند. به نظر من راه پیشروی انقلاب اینست که مردم بیایند بر سر خواستهایشان ایستادگی کنند، حول این خواستها متشکل شوند و متشکل بمانند و اجازه ندهند که هیچ کس به اسم نظم و قانون و امنیت و ملیت و اسلامیت و از این خزعلاتی که معمولاً میگویند مردم را دوباره به خانه بفرستند و دوباره يك سیستم دیکتاتوری جدیدی را بر آنها حاکم کنند.

سیما بهاری: خیلی متشکر از شما حمید تقوایی می کنم.\*

### انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهاب دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!